

## قاریان قرآن در نگاه عارفان در سده‌های پنجم تا هشتم

بتول مهدوی<sup>۱</sup>، هنگامه تبریزی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۴/۱۷)

### چکیده

بخش قابل توجهی از متون منظوم و منثور ادبیات فارسی را مضامین عارفانه تشکیل می‌دهد. در متون عرفانی نیز مانند دیگر آثار ادبی، از طبقات و پیشه‌های گوناگون مردم جامعه به بیان‌های مختلف سخن گفته شده و هر نویسنده و شاعر، با توجه به سبک شخصی و یا متأثر از محیط اجتماعی و سیاسی عصری که در آن زیسته، نگاه متفاوتی از اقشار مختلف جامعه ارائه کرده است. یکی از این اقشار، قاریان قرآن هستند. در دوره زمانی قرن پنجم تا هشتم هجری که دوره اوج و نضج متون عرفانی به شمار می‌آید، به دلیل ملازمت و معاشرت عرفا با طبقه مزبور، به تناسب بحث، از قاریان و نیات و عملکرد آن‌ها سخن گفته شده است. هدف این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی برای نخستین بار در دست انجام است، تبیین جایگاه قاریان در چهار سده مهم رشد و اعتلای عرفان است، که ضمن آن قاریان به دو دسته مثبت و منفی تقسیم شده‌اند، البته شواهد دیگری وجود دارد که قاریان حضور دارند و قضاوتی نسبت به آنان صورت نگرفته به همین جهت این گونه شواهد ذیل عنوان خنثی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌ها و حاصل تحقیق که از احصای بسامدها به دست آمده، حاکی از آن است که تحت تأثیر عوامل سیاسی-اجتماعی، هرچه از قرن پنجم به سده‌های متأخرتر نزدیک می‌شویم، به نسبت دوره‌های قبل که به ویژگی‌های مثبت قاری توجه می‌شده، به ویژگی منفی قاریان قرآن تأکید می‌شود و به تعبیری عنایت و توجه عارفان در سده‌های هفت و هشت در پی کاهش محبوبیت این قشر، به ویژگی منفی این دسته معطوف بوده است. البته فارغ از عوامل سیاسی-اجتماعی، نوع نگاه و مشرب عرفانی شاعر یا نویسنده نیز، در تعیین منزلت قاری مؤثر بوده است.

**کلید واژه‌ها:** عرفان، قاری، قرن پنج تا هشت، نگاه انتقادی، نگاه تعلیمی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، (نویسنده مسئول)؛ Email: b.mahdavi@umz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ Email: tabrizhengame@yahoo.com

### مقدمه

پیش از ورود به بحث اصلی ذکر مواردی از قبیل تعریف لغوی و اصطلاحی قاری، مَقْرئ، قُرّاء و قُرّائی به عنوان مقدمه ضرورت دارد.

### قاری در لغت و در اصطلاح

واژه قاری در فرهنگ‌ها به معنی: «خواننده، آنکه قرآن خواندن بداند، آنکه قرآن را معمولاً با صوت خوش بخواند.» [۱۲] آمده است. خرمشاهی نیز تعریف جامعی برای قاری آورده است: «مراد از قاری هنرمندی است که قرآن را در عین درست‌خوانی و رعایت قواعد وقف، ابتداء، تجوید، ترتیل و علم قرائت و احیاناً تغنی و موسیقی، به شیوه‌ای هنری و دلنشین و غالباً با صوت بلند در مساجد یا محافل علمی - عبادی یا در رسانه‌های صوتی و تصویری قرائت می‌کند.» [۸، ص ۱۶۱۸].

### مَقْرئ در لغت و در اصطلاح

مَقْرئ در لغت یعنی: «خواننده، کسی که تعلیم قرائت قرآن بدهد.» [۳۶] نیز به «تعلیم کننده قرآن به اطفال، قرآن‌خواننده، قاری، قرآن‌خوان، خواننده قرآن» اطلاق می‌شود [۱۲]. با این توصیف مَقْرئ معنای گسترده‌تری نسبت به قاری دارد. تفاوت معنی مَقْرئ با قاری در این است که قاری فقط خواننده قرآن است ولی مَقْرئ علاوه بر خواندن قرآن، به تعلیم قرآن نیز می‌پردازد.

### قُرّاء - قُرّائی در لغت و در اصطلاح

قُرّاء در لغت به معنی: «خوش‌خوان، نیکو خواننده قرآن است.» [۳۶]. قُرّائی نیز از حیث لغوی به معنی: «قرآن‌خوانی، قرائت قرآن، قرآن به قرائت خواندن.» [۱۲] آمده است. اما اصطلاح قُرّائی در زبان ادب فارسی «به هیچ وجه مفهوم خوبی ندارد، بلکه به معنی کسی است که دین و زهد و قرائت قرآن را به ریا و از سر فریب مردمان، وسیله قرار داده است تا خود را به پاکدامنی و عفاف شهرت دهد.» [۱۹، ص ۲۸۵-۲۸۴]. شیوه بررسی در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است، با این توضیح که در آثار برجسته عرفانی سده‌های پنج تا هشت، جایگاه مثبت و منفی قاریان با دقت در قضاوت شاعر یا نویسنده در خلال کلام و یا ضمن حکایات از هم تفکیک و سپس ارزیابی

می‌شود، نیز آن دسته از شواهدی که صرفاً از این قشر یاد شده و قضاوت و داوری در مورد آن‌ها صورت نگرفته در آغاز بحث به آن‌ها اشاره شده؛ ولی در نتیجه‌گیری و شمارش بسامدها نقشی ندارند، همچنین ویژگی‌های مثبت قاری با توجه به نظرات غزالی سنجیده شده است. شایان ذکر است که کتاب‌های عرفانی زیادی اعم از نظم و نثر به رؤیت نگارندگان رسیده؛ اما به دلیل فقدان شواهد از آن‌ها صرف‌نظر شده است.

### ویژگی‌های قاریان قرآن

غزالی در کتاب‌های کیمیای سعادت و احیاء علوم‌الدین، ناظر به آیات و احادیث برای قاریان ویژگی‌هایی برشمرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. قرائت با تدبیر و آهستگی، ۲. حالت حزن هنگام تلاوت قرآن، ۳. قرائت قرآن به آواز خوش، ۴. داشتن حضور قلب هنگام تلاوت قرآن [۲۹، ص ۲۴۹-۲۴۴]، ۵. خشوع در قرائت قرآن [۲۸، ص ۶۱۸-۶۱۷].

### وضعیت سیاسی - اجتماعی و عرفانی قرن پنجم

در قرن پنجم اختلافات مذهبی بین فرقه‌ها و مذاهب مختلف زیاد شد «و حتی صوفیه نیز که دعوی آزاداندیشی و بی‌تعصبی داشتند، از این اختلافات، معارضه‌ها و دشمنی‌ها به دور نماندند و در مذهب خود تعصب می‌ورزیدند.» [۱۳، ص ۸۴]. تصوف و عرفان نیز در قرن پنجم رو به گسترش بود و نفوذ علمی و تعلیمی آن گسترش می‌یافت. «از خصوصیات بارز قرن پنجم، ورود و نفوذ بیشتر افکار صوفیه در شعر فارسی بود که شور و حال و ذوقی خاص به شعر بخشید.» [۱۳، ص ۸۵].

### تحلیل جایگاه قاریان در آثار عرفانی قرن پنجم

در میان آثار به رؤیت رسیده در قرن پنجم، تعدادی از آن‌ها چون اسرارالتوحید، کشف‌المحجوب، رساله قشیریه، طبقات‌الصوفیه و کنز‌السالکین درخور تحلیل و بررسی بودند و در تألیفات دیگر، مطلب قابل توجهی در مورد قاریان قرآن یافت نشد.<sup>۱</sup>

۱. از قرن پنجم دیوان اشعار باباطاهر همدانی مورد بررسی قرار گرفت که مطلبی در مورد قاریان در آن یافت نشد. از آثار مهم عرفانی دیگر سده پنجم: اسرارالتوحید، در شرح احوال بوسعید و کشف‌المحجوب هجویری ←

لازم به ذکر است که به علت بسامد بالای نمونه‌ها در هر قرن، از هر عارف، یکی از ویژگی‌های مثبت و یکی منفی ذکر شده و شواهد دیگر نیز در پی‌نوشت درج می‌گردد. پیش از ورود به بحث و پرداختن به قضاوت‌های شاعر یا نویسنده مورد نظر در مورد این فرقه، باید از شواهدی یاد کرد که قاریان در جایگاه خنثی قرار دارند، بدون آنکه داوری نسبت به این دسته صورت گرفته باشد.

**اسرار التوحید ابوسعید ابوالخیر:** در این موضع ویژگی تبحر قاریان بر علم قرائت قرآن دریافت می‌شود<sup>۱</sup> «و شیخ ما ابوسعید، قدس‌الله‌روحه‌العزیز، قرآن از خواجه امام ابومحمد عنازی، آموخته است و او امامی با ورع و متدین بوده است و از مشاهیر قراء خراسان است و خاکش به نساست رحمة‌الله.» [۳۴، ص ۱۷].

**کشف‌المحجوب هجویری:** در شاهد ذیل، تنها اشتغال جمعی به استماع قرائت قاری بیان می‌شود و به ویژگی خاصی از قاری اشاره نکرده است. «من با گروهی بودم از فقرای مهاجرین که ایشان بعضی از اندام خود بپوشیده بودند به بعض دیگران از برهنگی و قاری بر ما می‌خواند و ما سماع می‌کردیم - یعنی استماع - قرائت وی را. تا پیغامبر - علیه‌السلام - بیامد و بر سر ما بایستاد. چون قاری وی را بدید خاموش شد. پیغامبر - علیه‌السلام - بر ما سلام گفت و گفت: آندر چه کار بودید؟ گفتیم: یا رسول‌الله، قاری می‌خواند و ما سماع می‌کردیم خواندن او را...» [۴۱، ص ۵۷۸-۵۷۹].<sup>۲</sup>

**رساله قشیری:** قشیری به نقل از فضیل عیاض، قاریان را به دو دسته قاریان رحمان و قاریان عصاء تقسیم می‌کند؛ یعنی حجت را بر مردم تمام می‌کند که با شناخت ویژگی‌های هر دو گروه سعی کنند که در دام قرائت عصاء که اصحاب عجب و تکبر هستند، گرفتار نشوند. در واقع چون قرآن، نجات‌بخش فضیل از گمراهی بوده و همچنین آیه‌ای که سبب تحول او شده، مؤمنان را به خشوع در برابر خدا و قرآن دعوت

→ و در میان آثار خواجه‌عبدالله انصاری طبقات‌الصوفیه، صد میدان، گفتار، مواظظ، مخاطبات، مقامات، مناجات و رباعیات و از رسایلش، رساله دل‌وجان، رساله واردات، رساله قلندرنامه، رساله هفت‌حصار، رساله محبت‌نامه، رساله مقولات، مناجات‌نامه و کنزالسالکین مورد دقت قرار گرفت.

۱. اسرار التوحید ۳۶۴.

۲. کشف‌المحجوب هجویری ۵۹۱-۵۹۲ و ۵۸۳-۵۸۲ و ۵۷۴-۵۷۳.

می‌کند، جای تعجب نیست که فضیل، قاریان خاشع را قاریان خدایی (قُرَّاءِ رحمان) و قاریان متکبر را قاریان عاصی (قُرَّاءِ عصاة) بنامد؛ چرا که خشوع، در نظر او، اصل اساسی هدایت مؤمنان به سمت کمال است. «فضیل عیاض گوید: قُرَّایِ رحمن اصحاب خشوع و تواضع باشند و قُرَّایِ عصاة اصحاب عُجب و تکبر.» [۳۳، ص ۲۱۹].<sup>۱</sup>

**طبقات الصوفیه و کنز السالکین خواجه عبدالله انصاری:** در آثار خواجه عبدالله، ضمن دو حکایت به ویژگی قرائت‌کننده بودن اشاره شده است. «شیخ الاسلام گفت که معروف قرّای بود. وقتی فرا خواهرزاده گفت که: تو را به او حاجت باشد به من ورو ده.» [۱۱، ص ۱۶۵].<sup>۲</sup>

## ویژگی‌های مثبت و منفی قاریان در آثار قرن پنجم

### ۱. ابوسعید ابوالخیر

اسرار التوحید ابوسعید ابوالخیر از جمله کتاب‌هایی است که نمایش چندگانه‌ای از شخصیت قاریان را می‌توان در آن مشاهده کرد.

**ویژگی مثبت قاریان:** ویژگی مثبت قاریان در این کتاب، تأثیرگذاری بر مخاطب به واسطه صدای خوش است.

**تأثیرگذاری بر مخاطب:** در حکایت ذیل، از مؤذنی سخن رفته که اتفاقاً قرآن به آوای خوش می‌خواند و تأثیر صدای او سبب آرامش بیمار شده بود. «در آن وقت که شیخ ما ابوسعید، قدس‌الله‌روح‌العزیز، به نیشابور بود، مؤذن مسجد مُطَرَّرْ، یک شب سحرگاه، بر مناره قرآن می‌خواند و در آن همسایگی تُرکی بیمار بود، آن تُرک را به آواز آن مؤذن وقت خوش بود و بسیاری بگریست...» [۳۴، ص ۱۱۱-۱۱۰].<sup>۳</sup>

### ویژگی منفی قاریان

در اسرار التوحید از قاریان ریایی و همچنین قاریان زاهد متعصب به اکراه سخن رفته است.

۱. رساله قشیریه ۶۱۰ و ۶۰۹-۶۱۰ و ۵۹۸ و ۵۹۶.

۲. طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری. ۴۹۲.

۳. اسرار التوحید ۹۵ و ۱۱۱-۱۱۰.

**قاریان ریایی:** محمدبن منور ضمن سه حکایت، قرائتی را در معنای ریاکار مدعی به کار برده است. بوسعید ضمن وصیتی در اواخر عمرش خطاب به جمع نموده گفت: «به خدمت درویشان مشغول باید بود و خدمت ایشان را میان در باید بست. کودکان را بازی نباید کرد. جوانان را بلعجبی نباید کرد. پیران را قرائتی و مریایی نباید کرد.» [۳۴، ص ۳۳۸].<sup>۱</sup> در حکایت مذکور، قرائتی به معنی قاریان دورو است و همراه با ریاکاران به کار رفته است و این مفهوم را برای پیران به کار برده؛ چرا که پیران و سالخوردهگان یک جامعه به جهت نیازی که به مراقبت و توجه دارند، بیشتر در خطر ریا و خودنمایی هستند.

**زاهدان متعصب:** بوسعید به دلیل وسعت مشرب و نگاه فراگیری که داشت از تنگ‌نظری‌ها و سخت‌گیری‌های خاص زاهدانه و فقیهان متعصب به دور بود. در اسرارالتوحید، قرائیان به عنوان طبقه‌ای متعصب معرفی می‌شوند که منکر سماع هستند. «شیخ ما گفت: هر قرائی که او بر سماع درویشان انکار کند، او بطلال طریقت است.» [۳۴، ص ۳۰۰-۲۹۹].<sup>۲</sup>

## ۲. هجویری

کشف‌المحجوب هجویری، از جمله کتاب‌های عرفانی است که در آن به فراخور بحث، از قاریان سخن رفته است.

**ویژگی مثبت قاریان:** هجویری در میان ویژگی‌های مثبت، به تأثیرگذاری بر مخاطب و صدای خوش قاری پرداخته است.

**تأثیرگذاری بر مخاطب:** در کشف‌المحجوب، تأثیرگذاری قاری بر مخاطب گاه به واسطه صوت خوش قاری ایجاد می‌شود و زمانی به دلیل مضمون آیه‌ای است که بر جان شنونده، تحول ایجاد می‌کند. در حکایت ذیل به صوت تأثیرگذار قاری بر روی عارف برجسته "ابوالعباس قصاب آملی" اشاره دارد. «گویند که: ابوالعباس قصاب قاری را گفت: برخوان: لا تثریب علیکم الیوم یغفرالله لکم و هو ارحم‌الراحمین (۹۲/ یوسف) و باز گفت: برخوان: یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضرّ و جئنا ببضاعه مزجاء (۸۸/ یوسف) و باز گفت:

۱. همان ۱۲۵ و ۳۲۹.

۲. همان ۱۶۶-۱۶۵.



**تأثیرگذاری بر مخاطب:** مثال پیش رو نیز با بیانی دیگر به توبه فُضیل عیاض به واسطه شنیدن صدای قاری اشاره می‌کند که در کشف‌المحجوب هجویری نیز به آن اشاره شده است. «فضل بن موسی گوید که فضیل عیاری بود براه زدن میان باورد و سرخس و سبب توب وی آن بود که بر کنیزکی عاشق بود و زیر دیوارها همی شدی بنزدیکی آن کنیزک، شنید که کسی همی خواند: اَلَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکرِ اللّهِ (حدید/ ۱۶). او گفت: یا رب گاه آمد و از آنجا بازگشت ...» [۳۳، ص ۲۸].

**ویژگی منفی قاریان:** در رساله قشیریه تنها در یک موضع به ویژگی منفی قاری پرداخته شده است.

**قاریان ریایی:** در نقل ذیل، قُراء به معنی قاریان ریایی به کار رفته است. و از قول جنید نقل کرده که هرکس که خداوند او را بخواهد، از قاریان دور و به صوفیان نزدیک گرداند که در این مورد می‌توان به تقابلی که میان صوفیان پاکباز و قاریان ریا پیشه وجود داشته پی برد. «جنید گوید: چون خدای تعالی به مُردی نیکویی خواهد او را به صوفیان افکند و از قُرائانش باز دارد.» [۳۳، ص ۳۱۳].

#### ۴. خواجه عبدالله انصاری

در میان آثار خواجه عبدالله انصاری تنها در یک مورد از ویژگی مثبت قاریان سخن رفته است. **ویژگی مثبت قاریان:** از ویژگی مثبت قاری در آثار خواجه عبدالله، صرفاً به صوت خوش اشاره شده است.

**صوت خوش:** در کنز‌السالکین در یک مورد به صورت تشبیهی به قاریان قرآن اشاره شده است. در این مثال پرنده قُمری در فصل بهار، با تشبیهی زیبا به قاریان قرآن تشبیه شده است. «قُمریان چون مُقریان در کار و طوطیان چون صوفیان در اذکار، عندلیبان بر منابر اشجار خطبه حمد حق، کرده تکرار.» [۱۰، ص ۵۸۵].

حاصل برشمردن ویژگی‌های مثبت و منفی قاریان، در آثار عارفان برجسته قرن پنجم به شرح ذیل است: البته واضح است که نتیجه‌گیری از ویژگی‌های قاریان در هر عصر، یک امر نسبی و تقریبی خواهد بود؛ به این معنی که به طور مطلق نمی‌توان برای هر قرنی یک



خصوصیت قائل شد که بین همه عارفان یکسان باشد، زیرا علاوه بر آنکه ممالک اسلامی که در آن تصوف وجود داشت وسیع بودند، هر کدام از این سرزمین‌ها نیز از اقوام و نژادهای مختلف تشکیل شده بودند، همچنین در بین آثار مختلف یک عارف به ویژگی‌های متفاوت قاری پرداخته شده است. با این توصیف می‌توان گفت در قرن پنجم، فضای سیاسی و اجتماعی ایران، تقریباً بدون تنش و اضطراب سپری می‌شد و یا حداقل، از جنگ با کشورهای همسایه در امان بود، گرچه در داخل کشور، تعصبات مذهبی و بحث‌های بین مذاهب مختلف اهل سنت و همچنین گهگاه شیعیان وجود داشت؛ اما چون اشعار، به تازگی از حوزه مدح قرن چهارم بیرون آمده بود و آثار عرفانی نیز برای اولین بار به فارسی، تألیف یا ترجمه می‌شد، عارفان تقریباً بدون انتقاد و صرفاً با دیدی عرفانی به خلق آثار عرفانی می‌پرداختند. بنابراین بسامد ویژگی مثبت این قشر با ویژگی منفی برابر است.

#### وضعیت سیاسی - اجتماعی و عرفانی قرن ششم

در سراسر قرن ششم، اذیت و آزار نسبت به مردم، امری عادی بود و در کتب تاریخ و ادب فارسی و عربی، حکایات و سرگذشت‌های بسیاری حاکی از این آزارهای پیاپی دیده می‌شود [۲۲، ص ۱۰۰]. در این قرن به وسیله سنایی و بعد هم عطار، عارفان و تصوف با شعر فارسی درآمیخت و شعر عرفانی به وجود آمد، همچنین عناد و ستیزه و مخالفت با فلسفه و فلاسفه، هم از طرف فقها و متشرعان و هم از جانب صوفیه بیشتر شد [۱۳، ص ۱۰۶-۱۰۵]. در مجموع، سده ششم موقعیتی بینابین یا حالت گرگ و میشی از اوضاع و عوامل قبل و بعد از خود دارد. جالب توجه این که طرفین تضادها چه بسا در شخصی واحد به هم می‌آمیزد؛ برای مثال خردگرایی و مبانی فلسفه با عقل‌ستیزی و فلسفه‌گرایی، قصاید مدحی مبالغه‌آمیز با اشعار مبتنی بر زهد و تضادهای ریز و درشت دیگر. به هر حال در این دوره متاع "گُفر و دین" هر دو خریدار دارد [۷، ص ۵۱-۵۰].

#### تحلیل جایگاه قاریان در آثار عرفانی قرن ششم

از میان آثاری که در قرن ششم مشاهده شد، در آثار چهار عارف، سنایی (قصاید -

حديقة الحقیقه)، عطار (دیوان اشعار - منطق الطیر - تذکرة الاولیا - مصیبت نامه)، عین القضاة (تمهیدات)، شیخ احمد جام (مقامات - روضة المذنبین - مفتاح النجات - حديقة الحقیقه) شواهدی برای تحلیل و بررسی وجود داشت و در بقیة آثار، نمونه‌ای مشاهده نشد.<sup>۱</sup>

پیش از بررسی شواهد اصلی ذکر نمونه‌ای که در آن قاریان در وضعیت خنثی قرار دارند، خالی از فایده به نظر نمی‌رسد.

**آثار سنایی:** در این بیت، سنایی، قاریان را به تلاوت با نغمه حزین و صوت اندوهناک، سفارش می‌کند. همان‌طور که غزالی ناظر به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) به قاریان توصیه می‌کند که به حال اندوه و بُکا یا تباهی، قرآن تلاوت کنند. «رسول (ص) می‌گوید: قرآن برخوانید و بگریید، اگر گریستن فراز نیایدتان، به تکلف فراز آورید.» [۲۹، ص ۲۴۵].

«سرّ قرآن پاک بر دل پاک درد گوید به صوت انده‌ناک» [۱۷، ص ۴۷]

**آثار عطار:** عطار در این بیت، قاری را صرفاً به معنی قرائت کننده قرآن به کار برده است. که منظور از آن در این بیت، پیامبر گرامی اسلام (ص) است و منظور از سخن پیامبر (ص) که خطاب به جبرئیل می‌فرمایند: من قاری نیستم. صرف قرائت و خواندن قرآن مقصود است.

«باز با جبرئیل گفت ای محترم من نیم قاری، نبود او لاجرم

هر دو عالم زیر پایش بود خاک گر نبود او قاری و شاعر چه باک» [۲۳، ص ۱۵۱]<sup>۲</sup>

۱. در قرن ششم آثاری؛ مانند سوانح العشاق احمد غزالی، مخزن الاسرار نظامی، کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی، دیوان اشعار غوث گیلانی، دیوان اشعار عبدالقادر گیلانی و آثار شیخ اشراق از جمله: المَشَارِع و المَطَاوِحَات، صغیرسیمرغ، فی حقیقة العشق یا مونس العشاق، آواز پرجبرئیل، لغت موران، عقل سرخ و هیاکل النور مورد بررسی قرار گرفتند که مطلب قابل توجهی در مورد قاریان به دست نیامده است. از آثار سنایی، دیوان و حديقة الحقیقه بررسی شد. در میان آثار عطار، دیوان اشعار، منطق الطیر، تذکرة الاولیا، مصیبت نامه، الهی نامه، اسرار نامه، مختار نامه بررسی شد. در میان آثار عین القضاة، تمهیدات و نامه‌ها و در میان آثار شیخ احمد جام، مقامات و از رسایلش روضة المذنبین، مفتاح النجات، انس التائبین و حديقة الحقیقه مورد بررسی قرار گرفت.

۲. تذکرة الاولیای عطار ۸۱۷.

یکی از ویژگی‌های قاری، حضور در مراسم سماع است. در حکایت ذیل، به صدای خوش قاری در مراسم سماع به نقل از ابوالحسن حصری اشاره دارد. لازم به ذکر است که حضور قاریان در مراسم سماع، مرسوم بوده که گاه علاوه بر تلاوت آیات، اشعاری را نیز با صدای خوش می‌خواندند و سبب وجد صوفیان در آیین سماع می‌شدند. «ازو پرسیدند از ملامتی، نعره‌یی بزد و گفت: اگر در این روزگار پیغامبری بودی از ایشان بودی. و گفت: سماع را تشنگی دایم باید و شوق دایم، که هر چند بیش خورد وی را تشنگی بیش بود. و گفت: چه کنم حکم سماعی را که چون قاری خاموش شود آن منقطع گردد...» [۲۵، ص ۷۶۱].

#### تمهیدات عین‌القضات

قاری در این نمونه به معنی قرائت‌کننده دعا است نه صرفاً قرائت‌کننده قرآن. و اختصاصاً در اینجا منظور از خواننده و قرائت‌کننده دعا، پیامبر گرامی اسلام (ص) است. «دریغ نادانم ای عزیز که قدر این دعا دانسته‌ای یا نه؟ دریاب که این دعا بر صدر لوح محفوظ نوشته است و قاری این دعا جز محمد - علیه السلام - نیست، و دیگران طفیلی باشند...» [۲۷، ص ۳۸].

#### ویژگی‌های مثبت و منفی قاریان در آثار قرن ششم

##### ۱. سنایی

در آثار سنایی دوازده مورد از قاریان سخن گفته شده، چهار مورد مربوط به ویژگی مثبت قاریان و هشت مورد مربوط به ویژگی منفی آن‌ها است.

**ویژگی مثبت قاریان:** در دیوان و حدیقه الحقیقه، ویژگی مثبت قاری شامل: صوت خوش است.

**صوت خوش:** در مثال پیش‌رو به ویژگی خوش‌صدایی قاریان اشاره شده است. سنایی، قُمری را در خوش‌صدایی به قاریان قرآن تشبیه نموده است.

«بلبل چه مذکر شده و قُمری قاری برداشته هر دو شَعَب و بانگ و فغان را» [۱۶، ص ۳۲]<sup>۱</sup>  
**ویژگی منفی قاریان:** در دیوان و حدیقه الحقیقه از قاریان متقلب، عدم توجه آنان به بطن و معنای قرآن و قرآن خواندن این صنف برای نیل به مطامع دنیوی سخن رفته است.  
**ناخوش آوازی قاریان:** در قصاید سنایی، ضمن یک بیت به ناخوش آوازی برخی قاریان متقلب اشاره شد. در واقع این دسته از قاریان، قرآن را از نظم و نسق و رونق آن ساقط می‌کنند.

«قاریان ز الحان ناخوش نظم قرآن برده‌اند صوت را در قول همچون زیر مزمر کرده‌اند»  
 [۱۶، ص ۱۴۹]

**بی‌توجه به بطن و معنای قرآن:** در این بیت، شاعر به قاریان مدعی که فقط به صوت و الحان ظاهری خود فریفته هستند، خطاب می‌کند. در حقیقت از نظر سنایی اگر قاری فقط قواعد قرائت را به خوبی بداند، لزوماً راه هدایت به اسرار الهی بر او مکشوف نمی‌گردد؛ بلکه برای رسیدن به حقیقت قرآن کریم و بهره‌برداری از خوان گسترده الهی از نفس اماره هم باید کناره جوید.

«توای قُمری مگر خود را نگویی کاهل قرآنم که از گوهر نه‌ای آگه که مرد صوت و الحانی» [۱۶، ص ۶۸۵]<sup>۲</sup>

**طمع‌ورزی قاری:** سنایی در آثارش، یک نمونه به طمع‌ورزی قاری اشاره کرده است. او صوت قاری را حجاب می‌بیند؛ چرا که در ازای مبلغی اندک و نه از روی اخلاص حاضر به قرائت قرآن می‌شود:

«مقُری زاهد از پی یک دانگ همچو قُمری دو مغزه دارد بانگ

قول باری شنو هم از باری که حجاب است صنعت قاری» [۱۷، ص ۵۱]

۱. دیوان سنایی ۱۵۱ و ۵۲۴.

۲. حدیقه الحقیقه سنایی ۴۷ و همان و ۵۰ و ۵۱-۵۰ و ۴۹.

## ۲. عطار

عطار در غزلیات، منطق‌الطیر، تذکره‌الاولیا و مصیبت‌نامه از قاریان قرآن سخن گفته است. **ویژگی مثبت قاریان:** در آثار عطار، به دین‌دار بودن، صوت خوش و تأثیرگذاری بر مخاطب به عنوان ویژگی مثبت این صنف اشاره شده است.

**دین‌دار بودن:** عطار در این بیت، برای مرد دینی، داشتن ویژگی‌هایی را فرض می‌داند، که مقری بودن در کنار صوفی و فقیه، یکی از اضلاع مثلث مرد دین تصور می‌شود.

«مرد دین صوفی است و مَقْری و فقیه گر نه این خوانی مَنّت خوانم سَفیه» [۲۶، ص ۱۵۶].

**صوت خوش:** در بیت ذیل، صدای بلبل و قُمّری در زیبایی به صدای قاریان قرآن تشبیه شد.

«پیش آمد بلبل و قُمّری به هم تا شوند آن هر دو تن مَقْری به هم» [۲۴، ص ۳۰۵]

**تأثیرگذاری بر مخاطب:** در حکایت ذیل تأثیرگذاری تلاوت قاری بر روی شبلی بیان شد

که البته مضمون آیه را در این تأثیرگذاری نمی‌توان انکار کرد: «روزی شبلی در مسجد بود.

مَقْری این آیت بر می‌خواند: *وَ لَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ* (أسرا/ ۸۶) اگر خواهیم ای محمد! هر دولت

که به تو دادیم باز ببریم - چندان خویشتن را بر زمین زد که خون از وی روان گشت و

می‌گفت: خداوندان با دوستان خود خطاب چنین کنند؟» [۲۵، ص ۶۲۸].<sup>۱</sup>

## ویژگی منفی قاریان

ویژگی منفی قاری در آثار عطار ضمن پنج شاهد ذکر شده که از آن معنای زاهد متظاهر دریافت می‌شود.

**زاهد متظاهر:** قُرّاء در بیت زیر، در معنی و مفهوم زاهد اسیر ظواهر به کار رفته

است؛ در واقع نظر عطار در غزلیاتش به نظر حافظ نزدیک می‌شود که عرفان رندانه را بر

عرفان خشک زاهدانه ترجیح می‌دهد. و قُرّایان و زاهدان ظاهری را مانند کوری می‌داند

که از دیدن حقایق محروم هستند.

در قلندر چند قُرّایی کنی نقدِ جان در باز قُرّایی بس است» [۲۶، ص ۵۲]<sup>۲</sup>

۱. تذکره‌الاولیای عطار ۹۰ و همان.

۲. دیوان عطار ۱۶۹ و ۳۳۳ و ۵۰۴ و ۵۸۶.

### ۳. احمد جام

احمد جام در مقامات خود و در رسایل روضة‌المذنبین، مفتاح‌النجات و حدیقة‌الحقیقه، هشت بار از قاریان سخن گفته که در همه موارد به ویژگی منفی قاری پرداخته است.

**ویژگی منفی قاریان:** احمد جام در آثارش از دنیاطلبی، ناپاکی، عدم توجه به احوال و اطوار دل، نا اهلی و بی عملی و جسارت این قوم در ارتکاب معاصی سخن می‌گوید و پرده از چهره زشت قاریان آن روزگار برمی‌دارد.

**دنیاطلبی قاری:** مَقْری در این موضع، به معنی قاری دنیاطلبی است که از روی حرص و زیاده‌خواهی دروغ نیز می‌گوید. «خبر دادن شیخ مردی را از زر نهفته او: دیگر مَقْری محمد روایت کرد که روزی گفتم: بقاباد شیخ‌الاسلام را، من هیچ چیزی ندارم و کسبی نتوانم کرد و ضعیفم، پدرم را بگوی تا مرا از ملک خود چیزی دهد تا مرا فراغتی بود، گفت: ای مَقْری دل در چنین چیزها نباید بست و خرسند باید بود. گفتم: به چه چیز خرسند باشم؟ گفت: اندک و بسیار چیزی نداری؟ گفتم: هیچ چیز ندارم. گفت: آن زر که بسته داری و فلان جای نهاده‌ای نخست آن را خرج کن تا خدای تعالی دیگرت بدهد...» [۳۰، ص ۱۱۹].<sup>۱</sup>

**ناپاکی قاری:** در حکایت ذیل، شیخ جام به فراست از زن بارگی مَقْری خبر یافته بود. «توبه مَقْری زن باره: دیگر وقتی مَقْری آمده بود از قاین به بوزجان. روزی پیش شیخ‌الاسلام نشسته بودم، شیخ‌الاسلام می‌گفت که کسی چنین معصیت کرده بود آن چنین بود. آن مَقْری گفت: اهل صلاح چنین می‌کنند. شیخ‌الاسلام گفت: آری گاه‌گاهی بود که زنی در مسجد مطرز بگیرند و در آویزند و با وی میعاد نهند. او گفت: آه راست گفتم، این واقعه مرا افتاده است. توبه کرد و بازگشت.» [۳۰، ص ۲۸۸].<sup>۲</sup>

**بی‌خبر از احوال و اطوار دل:** در ابیات ذیل، قاری در تقابل با اهل دل آمده که فقط به لفظ قرآن توجه دارد و از درک حقایق و معارف باز مانده است.

«تأمل کردم اندر دل بسی من ندیدم هیچ خالی زو مکانی

۱. مقامات زنده‌پیل ۲۱۴.

۲. همان ۲۶۲-۲۶۱.

به هر جایی که گوش و دیده رفتند      دل آنجا میر و این‌ها پاسبانی  
بدانستم که از دل نیست آگاه      نه هر قاری نه هر صاحب قرانی  
خداوند دلی داند که دل چیست      چه داند قدر دل هر بی‌روانی» [۳، ص ۱۴۳]<sup>۱</sup>

**نااهلی و بی‌عملی قاریان:** در نمونه ذیل، احمد جام، با زبان نصیحت‌گونه، قاریان نااهل و بی‌عمل را برحذر می‌دارد و با ذکر روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص)، جایگاه قاریان ریایی و منافق را چاه‌خواری دوزخ ذکر می‌کند. «زینهار ای دوستان و برادران و فرزندان ما که قدم در راه ایمان درست دارید و توبه باخلاص کنید... و در چاه حیرت و زحیر نمانید و بقرائی هر نااهلی و بی‌عملی فریفته مشوید. قال رسول الله علیه وسلم: أكثر منافقی هذه الأمة قُرّاءها. رسول (ص) گفت: بیشتر از امت من که منافق باشند، قُرّایان باشند.» [۲، ص ۱۸۴-۱۸۳].

**جسارت قاری در ارتکاب معاصی:** احمد جام در شاهد ذیل، از سیمای قاریانی پرده برمی‌دارد که از انجام گناهان واهمه ندارند و گمان می‌کنند که صرفاً با قرآن خواندن می‌توانند در زمره نجات‌یافتگان باشند. «دیگری آن است که قرائتی و اوراد خواندن پیشه گیرد و جامع قرآن برگیرد و به دست می‌دارد و به دل قرآن، غیبت و بهتان مسلمانان می‌گوید و هر چند فرا وی گویی: چنین نباید کرد، زبان نگاه دار! گوید: ای مرد! تا کی گویی؟ آخر من شب و روز جامع قرآن در دست دارم و خدای تعالی بدان قدر که من غیبتی گویم مرا عقوبتی نخواهد کرد.» [۱، ص ۲۱۵].

#### ۴. عین‌القضات همدانی

عین‌القضات در تمهیدات خود به ویژگی مثبت قاریان توجه کرده است. **ویژگی مثبت قاریان:** عین‌القضات در تمهیدات در یک موضع، برای قاری جایگاه عرفانی قائل است.

**جایگاه عرفانی قاری:** عین‌القضات در متن ذیل برای قاری جایگاه عرفانی قائل است. در این موضع به محو شدن قاری در جمال قرآن اشاره دارد. «عروس جمال قرآن،

۱. روضه‌المذنبین احمدجام ۱۴۷.

چون خود را به اهل قرآن نماید، به صفت صورت اثر بینند و همه صورت‌ها با شفاف تمام. مگر که ازینجا گفت: *أهل القرآن أهل الله و خاصته*. که چون مَقْرَى به کتاب، و *عنده أم الكتاب* (رعد / ۳۹) رسید بمعانی قرآن برسد. و جمال پرتو قرآن، او را چنان از خود محو کند که نه قرآن ماند و نه قاری و نه کتاب، بلکه همه مَقْرَو بود و همه مکتوب باشد. [۲۷، ص ۳-۴].

از مجموع ویژگی‌های مثبت و منفی در قرن ششم می‌توان نتیجه گرفت که در قرن ششم، آزار و اذیت نسبت به مردم به صورت امری عادی درآمد، در واقع در این عصر، با اینکه حکومت‌های قوی در داخل کشور ایجاد شده بودند ولی همین حکومت‌ها، به مال و جان توده مردم آسیب می‌رسانیدند. در این قرن، موقعیتی بینابین قرن پنجم و هفتم حاکم است و انتقاداتی که در قرن هفتم به طور واضح و آشکار وجود دارد، در این قرن در حال شکل‌گیری است. بنابراین در این عصر ویژگی منفی بیشتر از ویژگی مثبت؛ یعنی چیزی حدود دو برابر است.

### وضعیت سیاسی - اجتماعی و عرفانی قرن هفتم

اوج درگیری مغول در قرن هفتم بود و این درگیری‌ها سبب تعطیلی بحث‌ها و مناظره‌های علمی شد. در واقع «حملة خانمان سوز مغول در سال ۶۱۶ هج و قتل‌عام و کشتار و خرابی در این قرن، سبب از هم‌گسیختگی مراکز علمی و بحث و تحقیق و نیز پراکنده شدن علما، صوفیه و عارفان شد.» [۱۳، ص ۱۱۰-۱۰۹].

با این حال، در قرن هفتم تعداد خانقاه‌ها افزایش بسیاری پیدا کرد. درحقیقت «از خصوصیات قرن هفتم، نفوذ و کثرت و اهمیت خانقاه‌ها است که در قرن‌های گذشته برای اجتماع صوفیه با سادگی شروع شده و در این قرن به اوج عظمت و اهمیت رسیده بود.» [۳۱، ص ۴۳۶-۴۳۷]. بنابراین سده هفتم اوج گسترش کمی خانقاه‌ها است و به همان نسبت نظیر موارد مشابه شاهد سقوط کیفیت فکر آن هستیم. چرا که ورود بسیاری افراد و اقشار نااهل به این دستگاه وسیع، تباهی آن را در سده هشتم فراهم آورد [۷، ص ۱۱۲].

### تحلیل جایگاه قاریان در آثار عرفانی قرن هفتم

از میان آثار به رؤیت رسیده در قرن هفتم، در آثار پنج عارف: سعدی (مواعظ -



گلستان)، عَمْر سهروردی (عوارف‌المعارف)، مولوی (مثنوی - دیوان شمس - فیه‌مافیہ - مجالس سبّعه) و افلاکی (مناقب‌العارفین) مطالب در خور توجهی وجود داشته و در بقیه آثار، نمونه‌ای مشاهده نشده است.<sup>۱</sup>

در این قسمت، پیش از برشمردن ویژگی‌های مثبت و منفی در آثار عرفانی قرن هفتم، شواهد خنثی بررسی می‌شود.

**مولانا:** ویژگی خنثی قاری در آثار مولانا شامل: قرائت‌کننده قرآن و تأثیرگذاری صوت قرآن پیامبر (ص) است.

در بیت ذیل، مَقْرَى به معنی قرائت‌کننده قرآن است. البته در مصرع اول، با توجه به کلمه کتاب، قرائت‌کننده مطلق را به ذهن تداعی می‌کند؛ اما در مصرع دوم با توجه به عبارت (مَأْوُكُم غَوْرًا) به مفهوم قرائت‌کننده قرآن پی می‌بریم. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمُ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ (مُلک / ۳۰)، بگو به من خبر دهید اگر آب (آشامیدنی) شما (به زمین) فرو رود چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟

«مَقْرَى می‌خواند از روی کتاب مَأْوُكُمُ غَوْرًا، ز چشمه بندم آب» [۳۸، ص ۲۴۳]<sup>۲</sup>

در بین آثار مولوی یک نمونه در مجالس سبّعه به تلاوت اثرگذار پیامبر (ص) اشاره دارد که ثعلبه را متأثر نموده و سبب پشیمانی و توبه او از گناهانش گردید. «رسول - علیه‌السلام - عَمْر خطاب و سلمان فارسی را - رضی‌الله‌عنهما - بفرستاد که ثعلبه را پیش

۱. در میان آثار برجسته عرفانی قرن هفتم، دیوان اشعار، عشاق‌نامه و لمعات عراقی، معارف بهاء‌وَلَد، انسان کامل عزیزالدین نَسَفی، دیوان اشعار بابا‌أَفْضَل کاشانی، مرصاد‌العباد نجم‌الدین و رباعیات اوحالدین کرمانی مورد بررسی قرار گرفتند که مطلب قابل توجهی در آن‌ها یافت نشد. در مرصاد‌العباد بی‌تی وجود داشت که چون در اسرارالتوحید ذکر شده بود از ایراد مجدد آن خودداری شد.

ما را جز ازین زبان زبانی دِگراسْت      جز دوزخ و فردوس مکانی دِگراسْت  
قَلّاشی و رندیسْت سرمایة عشق      قُرّایی و زاهدی جهانی دِگراسْت

از آثار سعدی، دیوان اشعار، بوستان، مواعظ و گلستان بررسی شد و همچنین آثاری مانند عوارف‌المعارف عَمْر سهروردی، رباعیات اوحالدین کرمانی و مناقب‌العارفین افلاکی بررسی شد، همچنین مثنوی، دیوان شمس، فیه‌مافیہ، مجالس سبّعه و مکاتیب نیز مورد بررسی قرار گرفت.

۲. مثنوی معنوی ۲۵۴ و ۱۱۲۷ و ۴۴۵ و کلیات شمس ۷۲ و همان و ۱۰۴۵ و ۹۴۳ و ۱۱۵۰ و ۱۲۱۳ و مجالس سبّعه ۳۶ و ۷۱.

من آرید. هر دو از مدینه بیرون آمدند... چون عمر او را بگرفت. گفت: أَلأمان، أَلأمان، مَتَى الخَلاص من الاوزار؟ یا عمر! مرا وقتی پیش رسول بر که وی اندر نماز باشد یا بلال اندر قامت بود. چون ثعلبه آواز قرآن خواندن رسول بشنود، عقل از وی زایل شد و بر جای بیفتاد. چون از نماز فارغ شد، به نزد ثعلبه آمد. از پرتو رسول ثعلبه به خود آمد و دل بازیافت و گفت: یا رسول الله از تشویر گناه و خجالت گریختم.» [۳۹، ص ۹۵-۹۶].

### ویژگی‌های مثبت و منفی قاریان در آثار قرن هفتم

#### ۱. مولانا

در آثار مولانا چند مورد به ویژگی‌های منفی اشاره شده است.

**ویژگی منفی قاریان:** ویژگی منفی قاری در آثار مولانا شامل: دانش ظاهری قاری، زاهدان بی بهره از عالم عشق، بی توجه به بطن و معنای قرآن، ناخوش آوازی و بلاهت و قساوت قاری است.

**دانش ظاهری:** مَقْرئ در این موضع به معنی متخصص علم قرائت قرآن و بی بهره از عالم عشق و جنون به کار رفته است.

«مُصَحَّف دیوانگی دیدم، بخواندم آیتی گشت منسوخ از جنونم دانش و قُرَّایی‌ای»  
[۳۷، ص ۱۰۳۹]

#### زاهدان بی بهره از عالم عشق

قرآء در دو شاهد دیوان شمس، به زاهد ریایی و بی بهره از عشق اشاره دارد. در بیت ذیل با توجه به کلمه قبل از آن؛ یعنی دانایی، از قُرَّاء، مفهوم دانش ظاهری مستفاد می شود. «مرا سودای آن دلبر ز دانایی و قُرَّایی برون آورد تا گشتم چنین شیدا و سودایی»

[۳۷، ص ۹۲۸]<sup>۱</sup>

**برتری مستمع نسبت به قاری:** قاری در اینجا به معنی قرائت کننده قرآن است و مولوی مستمع را برتر از واعظ و قاری دانسته است.

«خاموش نشین و مستمع باش نی واعظ خلق شو نه قاری» [۳۷، ص ۱۰۲۱]

**بی توجه به بطن و معنای قرآن:** مولانا در بیت ذیل، به یکی از ویژگی‌های غالب قاریان و حافظان قشری؛ یعنی عدم توجه این طایفه به تأویل قرآن اعتراض می‌کند. حال آن که عارفانی؛ مانند مولوی ناظر به معنا هستند و الفاظ را تنها ظرف معنا تلقی می‌کنند.

«ز یک حرفی ز رمز دل نبردی بوی اندر عمر اگرچه حافظِ اهلِی و اُستادی تو ای قاری» [۳۷، ص ۱۰۲۱]<sup>۱</sup>

**ناخوش آوازی:** مولانا ناظر به آیه قرآن، صدای بد قاری را به صوت حمیر تشبیه کرده است: وَأَعْضُضُ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (لقمان / ۱۹) همانا ناخوشایندترین صداها آواز خران است.

«داندی مَقْرَى که عرعر می‌کند ترک کردی عرّ و عر، بگریستی» [۳۷، ص ۱۰۷۱]

**بلاغت و قساوت قاری:** مولانا در شاهد ذیل به مؤثر واقع نشدن تفسیرش بر قاری سخن می‌گوید. ظاهراً اثر نکردن سخن حق از جمله قرآن، محدود به قشر خاصی نبوده و اما از قاریان که بیشتر با این کلام الهی سر و کار دارند، بعید و ناشایست است. «با مَقْرَبی تقریر می‌کردم که قرآن می‌گوید که، قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي (کهف / ۱۰۹) اکنون به پنجاه درمستگ مرکب این قرآن را تواند نبشتن این رمزیت از علم خدای همه علم خدا تنها این نیست عطاری در کاغذ پاره‌ی دارو نهاد تو گویی همه دکان عطار اینجاست این ابله‌ی باشد آخر در زمان موسی و عیسی و غیرهما قرآن بود کلام خدا بود به عربی نبود تقریر این می‌دادم (دیدم) که در آن مَقْرَى اثر نمی‌کرد ترکش کردم.» [۴۰، ص ۸۱].

## ۲. عَمَر سهروردی

در دو موضع عوارف‌المعارف، از قاریان قرآن سخن گفته شد که در هر دو شاهد، سهرودی ناظر به ویژگی مثبت این صنف بوده است، شایان ذکر است که حکایت مربوط به روزگار پیامبر است و قاری جزء هم‌روزگاران سهرودی به شمار نمی‌آید.

۱. فیه‌ما فیه مولوی ۸۱ و ۸۲-۸۱.

**ویژگی مثبت قاریان:** ویژگی مثبت قاریان در عوارفالمعارف، تأثیرگذاری بر مخاطب و تبعیت از اقوال پیامبر (ص) است.

**تأثیرگذاری بر مخاطب:** قاری در حکایت ذیل ابی بن کعب است که تأثیرگذاری صوت وی نزد پیامبر(ص) سبب رقت قلب مخاطبان شد. «و در خبر است که: اَبی کعب - رض- نزدیک رسول - عللم - قرآن می خواند، جمله حاضران (را) از اثر آن قرائت رقت پیدا شد...» [۲۰، ص ۹۱].

**تبعیت از اقوال پیامبر (ص):** در شاهد ذیل، قراء در مرتبه‌ای نازل تر از زاهد قرار گرفته که به اقوال رسول (ص) اقتدا می کنند و نه چون زاهدان که بر احوال رسول (ص) اقتدا می کنند. «طایفه‌ای متابع اقوال باشند و آن جمع قراء باشند که به مجرد قول قناعت کرده باشند و جمعی متابع افعال باشند و آن جمع زاهدان باشند که به بعضی افعال و اخلاق رسول - عللم - اقتدا کنند، از بهر آنکه ایشان به پرتو نور اسلام راه کنند.» [۲۰، ص ۱۰۷].

### ۳. افلاکی

افلاکی از نویسندگان و مؤلفان متصوف قرن هشتم هجری است؛ اما چون مناقب‌العارفین زندگی مولوی را شرح می دهد، این کتاب در زمره آثار عرفانی قرن هفتم مورد بررسی قرار گرفت. در مناقب‌العارفین افلاکی در دو مورد از ویژگی منفی قاریان قرآن سخن گفته شده است.

**ویژگی منفی قاریان:** از ویژگی‌های منفی در مناقب‌العارفین، قرائت نادرست قرآن و بی توجهی به بطن و معنای قرآن است.

**قرائت نادلیذیر قرآن:** حکایت پیشرو به کج سلیقگی قاری در انتخاب یکی از قرائات سوره‌ی ضحی اشاره دارد که سرانجام به تذکر طنزآمیز مولانا، متنبه شد و مرید مولانا گردید. «همچنان منقولست که روزی حضرت خداوندگار را در اجلاس شیخی اتفاق افتاد؛ مگر شیخ صائن‌الدین مقرئ سبعه‌خوان بخواندن، وَالضُّحَى (ضحی / ۱) رسیده تا آخر سوره باماله خواندن گرفت؛ می خواند که، وَالضُّحَى و الَّیْلِ إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى (ضحی / ۳-۱)؛ حضرت خداوندگار عظیم منفعل شد؛ حضرت چلبی حسام‌الدین بتمهید عذر آن آغاز کرد که این مقرئ قرائت کسائی می خواند؛ خداوندگار معذور فرماید، فرمود که چلبی راست می فرماید، اما امثال ایشان بدان فقیه ترک می ماند

که از سفر رسیده بود؛ نحوی از او سؤال کرد که، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ قَالَ مِنْ طَيْسٍ، به جای آنک طوس گوید؛ نحوی گفت: وَاللَّهِ مَا سَمِعْتُ أَنَا اسْمَ هَذَا الْبَلَدِ فِي عُمُرِي، فقیه گفت: نمی‌دانی که مِنْ حَرْفِ جَرِّست، در طوس درآمد آن را طیس کرد؛ نحوی گفت: مَنْ در نحو چنین خواندم که مِنْ حَرْفِي را جرّ کند، اما نشنیدم که شهری را درگرداند؛ فی الحال مُقْرِي سرواز کرده بنده و مرید شد.» [۴، ص ۱۳۶-۱۳۵].

**بی توجه به بطن و معنای قرآن:** قاریان بی‌بهره از حقیقت قرآن، همواره مورد نکوهش عرفا بوده‌اند. در حکایت ذیل، صابن‌الدین، مورد مذمت مولانا است؛ از آن جهت که بهره‌اش از قرائت قرآن، عمارت عبارت صرف است و از اسرار این کتاب آسمانی محجوب است.

«همچنان از یاران کبیر منقولست که روزی در بندگی مولانا حکایت سبعه‌خوانی صابن‌الدین مُقْرِي می‌کردند که ابوحفص دوران و قالون زمانست و هر شب باید که ختم قرآن کند، آن‌گاه آرامد، فرمود که آری، گردگان را نیکو می‌شمرد و از مغز نغزش حظی ندارد و فرمود که کتاب‌الله مَبْنِي عَلَى أَرْبَعَةٍ: الْعِبَارَةُ وَالْإِشَارَةُ وَاللِّطَائِفُ وَالْحَقَائِقُ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ؛ و آن عزیز پیوسته به عمارت عبارت مشغولست و از اسرار آن محجوب.» [۴، ص ۴۰۹].

#### ۴. سعدی

در میان آثار سعدی فقط در گلستان و موعظ است که از قاریان سخن گفته شد و جملگی شواهد به ویژگی منفی این قشر مربوط می‌شود.

**ویژگی منفی قاریان:** از ویژگی‌های منفی قاری در آثار سعدی فقط به

ناخوش آوازی، اشاره شده است.

**ناخوش آوازی:** شیخ در حکایت ذیل، به ناخوش آوازی برخی قاریان اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که خواندن قرآن مجید با بانگ دلخراش، حتی می‌تواند سبب بی‌زاری مردم از مسلمانی شود. در حقیقت با حمله مغول که انحطاط عقلی و فکری و دینی دامن‌گیر جهان اسلام شد، افراد، در مناسک دینی خود نیز به ریا و جاه‌طلبی روی آوردند. «ناخوش آوازی به بانگ بلند (قرآن) همی خواند. صاحب‌دلی بر او بگذشت، گفت: تو را مشاهره چندست؟ گفت: هیچ. گفت: پس چرا زحمت خود همی دهی؟ گفت: از بهر خدا می‌خوانم. گفت: از بهر خدا مخوان.»

گر تو قرآن بدین نَمَط خوانی بَبَـرری رونقِ مسلمانی» [۱۴، ص ۱۳۲]<sup>۱</sup> در قرن هفتم برخلاف قرون گذشته، روحیه انتقادی بر سراسر جامعه حاکم می‌شود و تظاهرات آن در آثار عرفانی مشاهده می‌گردد. شاعران و نویسندگان به صراحت و بدون هیچ پروایی به افشای ریا و تزویر و طمع‌ورزی جامعه عصر خود می‌پردازند. نمونه بارز انتقادات نسبت به قاریان در قرن هفتم در آثار سعدی مشاهده می‌شود. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که در قرن هفت به ویژگی منفی قاریان بیشتر از ویژگی مثبت این صنف پرداخته شده است.

### وضعیت سیاسی - اجتماعی و عرفانی قرن هشتم

قرن هشتم از وحشتناک‌ترین دوران تاریخ ایران از جهت کشتار و خرابی و ویرانی است. در این قرن «سقوط دولت ایلخانان، ایران را وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی و پراکندگی سیاسی کرد. در پی مرگ ابوسعید ایلخان در سال ۷۳۶ ه‍.ق، نیروهای متعددی به رقابت بر سر کسب قدرت و تصاحب میراث ایلخانان پرداختند. در نتیجه کشور میان چندین دولت محلی تقسیم شد.» [۵، ص ۱]. حاکمان بخش‌های محلی، بی‌کفایت بودند و «وقتی مردم فرومایه از طبقات پست بدون هیچ‌گونه تربیت و تضمینی زمام امور را در دست گیرند طبعاً به مکارم پشت‌پا می‌زنند و رذایل را مباح می‌شمردند. رواج انواع فساد از دروغ و تزویر و دزدی و ارتشا و بی‌اعتنایی به ملکات فاضله و نظایر این امور نتیجه جبری چنین وضعی است.» [۲۱، ص ۲۷].

در قرن هشتم، طریقت و تصوف در اوج پیشرفت و ترقی و توسعه خود و مورد توجه عوام و خواص بوده است. «وسعت دامنه تصوف و مقبولیت آن و رونق بازار پیران و مشایخ و دراویش و صوفیان و خانقاه‌های متعدد در اکناف قلمرو اسلامی تا جایی است که باید "تصوف خانقاهی" را یکی از مشخصات بارز قرن هشتم به خصوص نیمه اول آن محسوب داشت.» [۳۵، ص ۴۲]. به طور کلی در قرن هشتم و در عرصه پهناور قلمرو اسلام انواع تجلیات تصوف به چشم می‌خورد؛ اما تفکر غالب در این دوره که دوره حافظ

۱. کلیات سعدی ۷۵۷ و ۷۵۸.

است این است که «بازار ریا و زهدفروشی و تزویر و عوام‌فریبی رواج کامل داشته و معارض و مزاحم اهل‌معنی و حال بوده است.» [۳۱، ص ۸۱].

### تحلیل جایگاه قاریان در آثار عرفانی قرن هشتم

در میان آثار عرفانی عصر حاضر تنها دیوان سه عارف: اوحدی مراغه‌ای (جام‌جم)، حافظ (غزلیات) و شاه نعمت‌الله ولی (ترجیع‌بند - قطعه) شواهدی برای بررسی وجود داشته است و در بقیه آثار مصداقی به رؤیت نرسید.<sup>۱</sup>

پیش از ورود به بحث اصلی، به ذکر نمونه‌هایی پرداخته می‌شود که از قاریان سخن رفته بدون آنکه قضاوت آشکاری از جایگاه این طبقه صورت گرفته باشد.

#### ۱. حافظ

توضیح آنکه «از قرآء سبعة عدّه کثیری نقل کرده‌اند، ولی قرآن‌شناسان و قرائت‌شناسان بعدی، روایت دو تن از راویان هر قاری را که از نظر ضبط و صحت سند و طول ملازمت و آموزش نزد قاریان یا مَقریان هفتگانه، دقیق‌تر و پذیرفتنی‌تر بوده است، به اصطلاح استاندارد کرده‌اند، لذا چهارده روایت پدید آمده است.» [۳۲، ص ۴۴۷]. حافظ در بیت زیر، ویژگی قاری ماهر و زبردست را در تسلط او بر چهارده روایت می‌داند و از خود به عنوان چنین کسی یاد می‌کند.

«عشقت رسد به فریاد آر خود بسانِ حافظ  
قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت» [۳۲، ص ۹۴]

در این نمونه نیز، حافظ صریحاً اعلام می‌کند که قاریان قرآن، اهل تزویر و ریا و

۱. در قرن هشتم آثاری؛ مانند: دیوان اشعار خواجه کرمانی، گلشن‌راز شیخ محمود شبستری، مصباح‌الهدایه عزالدین محمود کاشانی، دیوان اشعار کمال خجندی، دیوان اشعار همام تبریزی، دیوان اشعار عماد فقیه کرمانی بررسی شد که مطلبی در آنها یافت نشد. از آثار اوحدی مراغه‌ای دیوان اشعار، منطق‌العشاق و جام‌جم و در میان آثار حافظ، غزلیات، مثنوی، ساقی‌نامه، قطعات، رباعیات و قصاید مورد بررسی قرار گرفت و از آثار شاه نعمت‌الله ولی قصاید، غزلیات، مثنویات، رباعیات، دوبیتی‌ها، متفرقات، مُفردات، ترجیع‌بند و قطعه بررسی شد.

دورویی هستند. وی مستی رندانه خود را بهتر از قرائت همراه با ریا و تزویر قاریان می‌داند. البته این بیت، چون به افشار دیگری که با قرآن سروکار بیشتری دارند؛ مثل حافظ قرآن، صوفی، زاهد و فقیه نیز می‌تواند استناد شود، در مقدمه بحث ذکر شد.

«حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را»  
[۹، ص ۱۴۸]

## ۲. شاه نعمت‌الله ولی

در دیوان شاه نعمت‌الله ولی، به صرف قرائت‌کننده بودن قاری بدون هیچ داوری در مورد این قشر اشاره شده است. در بیت ذیل مَقْرئ می‌تواند هم قاری و هم آوازه‌خوان باشد. چرا که "ذکر قامت" به ایهام، هم موهم وصف شاعرانه قامت یار و هم قدقامت‌الصلوة مَقْرئ در جایگاه مکبر نماز جماعت استنباط می‌شود.

«ای به مه‌رت دل خراب آباد	وز غمت جان مستمندان شاد...
هر که شاگردی غم تو نکرد	کی شود درس عشق را اُستاد
ما به ترک مُرادِ خود گفتیم	در ره دوست هر چه بادا باد
دوش سرمست در گذر بودم	بر در مسجدم گذار افتاد
مَقْرئ ذکر قامتش می‌گفت	هر که آن جا رسید خوش بستاد»

[۱۸، ص ۵۰۱]

شاه نعمت‌الله ولی در بیت ذیل، توجه به سیر باطنی و عمل صالح را بهتر از تلاوت قرآن می‌داند؛ چرا که بدون عمل و توشه صالح و اطاعت از دستورات قرآن، تلاوت صرف به چیزی نمی‌ارزد.

«توگر جمعیتی خواهی طلب کن از درون خود  
که از بیرون نمی‌خیزد بجز گرد پریشانی  
بخوان خود را ز کج رفتن دگر قرآن مخوان هرگز  
که خود را بازخوانی به که قرآن جمله برخوانی» [۱۸، ص ۶۲۳]

## ویژگی‌های مثبت و منفی قاریان در آثار قرن هشتم

### ۱. حافظ

حافظ در دیوان خود در یک موضع از قاریان قرآن سخن گفته که بر ویژگی منفی این قشر، دلالت دارد.



**ویژگی منفی قاریان:** ویژگی منفی قاری در دیوان حافظ، گریزان بودن شیطان از قاریان است.

**گریزان بودن شیطان از قاریان:** حافظ که از زبان ایهام‌گونه در اشعار خود بهره می‌برد، در مورد قاریان نیز از این عنصر بلاغی استفاده می‌کند. در بیت ذیل، حافظ مطابق سنت خود، با استفاده از صنعت ادبی ایهام آن هم به شیوه اغفال و از نوع ذووجهین آن، برای قاریان دو شخصیت مثبت و منفی قائل شده که خواننده در نگاه اول گمان می‌کند که دیو از قاریان گریزان است و توان وسوسه آنان را ندارد؛ اما با کمی تأمل متوجه می‌شود که حتی دیو از قاریان زهدپیشه ریاکار گریزان است.

«زاهد آر رندی حافظ، نکند فهم، چه شد دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند»

[۳۲، ص ۱۹۳]

## ۲. اوحدی مراغه‌ای

اوحدی در جام‌جم تنها یک بار آن هم به ویژگی منفی قاریان اشاره دارد. **ویژگی منفی قاریان:** اوحدی در جام‌جم، به افشای دنیاطلبی قاریان می‌پردازد و این دسته را در کنار واعظان، مورد انتقاد قرار می‌دهد.

**دنیاطلبی قاری:** اوحدی ضمن ابیاتی بلند به نقد واعظان نظرباز و جمّاش می‌پردازد. وی سپس در دو بیت، قاریان را آلت دست واعظان ذکر می‌کند که به پیشنهاد واعظ آیاتی متضمن مضامین عاشقانه را برای فریب حاضران می‌خواند و قرآن برای این دو دسته آلت لهو و ابزار کسب است.

«آه ازین واعظان منبرکوب	شرمشان نیست خود ز منبر و چوب...
واعظ شب از سر منبر	چون بدید آن دو زلف چون عنبر
یاد گیرد شب اندران احیا	آیت یا عزیز و یا یحیی
سوی مقری کند به روز نگاه	همچو یعقوب در تأسّف و آه
پس بخوانند مقریان ز نخست	سوره‌ی یوسف و زلیخا چست
تا ز قرآن کلاه و جامه کند	همه را محو عشق نامه کند»

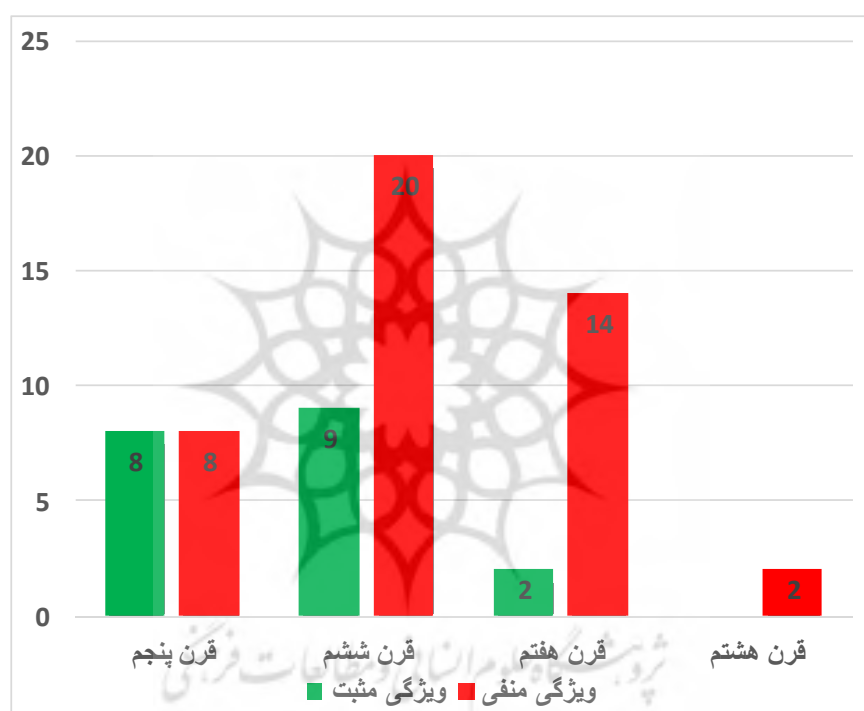
[۶، ص ۵۷۷-۵۷۵]

در قرن هشتم که به عصر حافظ مشهور است، فقط به ویژگی‌های منفی قاریان اشاره شده است و ذکر بیشترین بسامد ویژگی منفی نیز به حافظ اختصاص دارد. با این تفاوت که حافظ برخلاف عارفان قرن هفتم نظیر سعدی به صورت غیرمستقیم و با استفاده از صنعت ادبی ایهام، از ریا و تزویر موجود در جامعه پرده برمی‌دارد و داعیه‌داران شریعت از جمله قاریان قرآن را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی ویژگی‌های قاریان در آثار برجسته عرفانی از قرن پنجم تا پایان قرن هشتم هجری، این نتایج حاصل شده است: جایگاه قاریان قرآن در ادبیات عرفانی ایران، معلول عوامل سیاسی و اجتماعی است و در هر دوره بنا به شرایط جامعه تغییر کرده است؛ البته این تغییر، به صورت صد در صدی قابل تعمیم نیست. شاعران و نویسندگان عارف در هر دوره‌ای و در هر موقعیت زمانی از فضای سیاسی جامعه تأثیر می‌گرفته‌اند، البته در کنار این دسته، عارفانی هم بوده‌اند که بدون توجه به فضای سیاسی و اجتماعی و هر گونه تعصبات مذهبی در انزوای خود به سرودن اشعار ناب پرداخته باشند. با این توصیف می‌توان گفت در قرن پنجم، فضای سیاسی و اجتماعی ایران، تقریباً بدون تنش سپری می‌شد. به همین جهت عارفان تقریباً بدون انتقاد و صرفاً با دیدی عرفانی به خلق آثار عرفانی می‌پرداختند و اگر هم احیاناً نگاه منفی نسبت به افکار و عقاید اقشار مختلف هست، صرفاً آن‌ها را حجاب‌های عرفانی تلقی می‌کنند که مانع از رسیدن شخص به مطلوب حقیقی می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عارفان، صرفاً با دیدی آرمان‌خواهانه به فضای جامعه می‌نگریستند. بنابراین تعداد ویژگی مثبت و منفی در این قرن مساوی است؛ اما در قرن ششم، آزار و اذیت نسبت به مردم به صورت امری عادی درآمد، در این قرن، موقعیتی بینابین قرن پنجم و هفتم حاکم است. در حقیقت می‌توان گفت که در قرن ششم، هم ذوق و لطافت قرن پنجم و هم انتقادات قرن هفتم دیده می‌شود. طبق بررسی‌های به دست آمده، در این عصر، بسامد پرداختن به ویژگی‌های منفی قاریان از ویژگی‌های مثبت بیشتر است. در قرن هفتم برخلاف قرون گذشته، روحیه انتقادی بر سراسر جامعه حاکم می‌شود و تظاهرات آن در آثار عرفانی مشاهده

می‌شود. بنابراین در بررسی آثار تحلیل شده، تعداد ویژگی منفی از مثبت، بیشتر است. همچنین در قرن هشتم که به عصر حافظ مشهور است، فقط به ویژگی‌های منفی قاریان اشاره شده است و بیشترین بسامد ویژگی منفی نیز به حافظ اختصاص دارد. با این تفاوت که حافظ مطابق روش خود و برخلاف عارفان قرن هفتم به صورت غیرمستقیم به ذکر ریای موجود در جامعه می‌پردازد.



نمودار ۱-۱- ویژگی‌های مثبت و منفی قاریان قرآن از قرن پنجم تا هشتم هجری

## منابع

- [۱] احمد جام (۱۳۵۵). *روضه‌المنذبین و جنة‌المشتاقین*، مقابله و تصحیح و مقدمه و توضیح: علی فاضل، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- [۲] \_\_\_\_\_ (۱۳۴۷). *مفتاح‌النجات*، با مقابله پنج نسخه و مقدمه و تصحیح و تحشیه: علی فاضل، تهران، علمی.
- [۳] \_\_\_\_\_ (۱۳۴۳). *حدیقه‌الحقیقه*، به اهتمام: محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۴] افلاکی (۱۳۸۵). *مناقب‌العارفین*، با تصحیحات و حواشی و تعلیقات به کوشش: تحسین یازبجی، ج ۲ و ۱، تهران، دنیای کتاب.
- [۵] الهیاری، فریدون و دیگران (۱۳۸۹). «حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری و مسئله مشروعیت»، *پژوهش‌های تاریخی*، اصفهان، سال ۴۶، شماره ۲، صص ۱-۲۴.
- [۶] اوحدی مراغی (۱۳۴۰). *کلیات*، تصحیح و مقابله و مقدمه: سعید نفیسی، تهران، امیرکبیر.
- [۷] حمیدیان، سعید (۱۳۸۳). *سعدی در غزل*، تهران، قطره.
- [۸] خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹). *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، ج ۲، تهران، گلشن.
- [۹] \_\_\_\_\_ (۱۳۶۷). *حافظ‌نامه: شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۰] خواجه‌عبدالله انصاری (۱۳۸۹). *مجموعه رسائل فارسی*، به تصحیح و مقابله سه نسخه مقدمه و فهرس: محمد سرور مولایی، ج ۲، تهران، توس.
- [۱۱] \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *طبقات‌الصوفیه*؛ مقدمه، مقابله، تصحیح و فهرس: محمد سرور مولایی، تهران، توس.
- [۱۲] دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر: سید جعفر شهیدی، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- [۱۳] سجادی، سید ضیاء‌الدین (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*، تهران، سمت.
- [۱۴] سعدی (۱۳۸۹). *گلستان*، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
- [۱۵] \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *کلیات سعدی*، تصحیح و طبع: شادروان محمدعلی فروغی، تصحیح، مقدمه، تعلیقات و فهرس: به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، دوستان.
- [۱۶] سنایی غزنوی (۱۳۸۸). *دیوان*، به سعی و اهتمام: محمدتقی مدرس رضوی، تهران، سنایی.
- [۱۷] \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه: فخری‌نامه*، به تصحیح و با مقدمه: مریم حسینی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- [۱۸] شاه نعمت‌الله ولی (۱۳۸۹). *دیوان*، با مقدمه: سعید نفیسی، تهران، نگاه.
- [۱۹] شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *زبور پارسی: نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار*، تهران، آگه.
- [۲۰] شهاب‌الدین سهروردی (۱۳۸۶). *عوارف‌المعارف*، ترجمه: ابومنصور بن عبدالؤمن اصفهانی، به اهتمام: قاسم انصاری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲۱] صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، تلخیص: محمد ترابی، تهران، فردوس.
- [۲۲] ——— (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، تهران، فردوس.
- [۲۳] عطار نیشابوری (۱۳۸۶). *مصیبت‌نامه؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی*، تهران، سخن.
- [۲۴] ——— (۱۳۸۴). *منطق‌الطیر؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی*، تهران، سخن.
- [۲۵] ——— (۱۳۶۶). *تذکره‌الاولیا، بررسی و تصحیح متن و توضیحات و فهراس: محمد استعلامی*، تهران، زوآر.
- [۲۶] — (۱۳۴۵). *دیوان*، به اهتمام و تصحیح: تقی تفضلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۲۷] *عین‌القضات* (۱۳۸۹). *تمهیدات*، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق: عقیف عسیران، تهران، منوچهری.
- [۲۸] غزالی طوسی، ابوحامد محمد (۱۳۸۹). *احیاء علوم‌الدین*، ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش: حسین خدیوچم، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲۹] ——— (۱۳۷۱). *کیمیای سعادت*، به کوشش: حسین خدیوچم، ج ۱، تهران، علمی و فرهنگی.
- [۳۰] غزنوی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۸). *مقامات ژنده‌پیل*، به اهتمام: حشمت مؤید، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۳۱] غنی، قاسم (۱۳۸۶). *تاریخ تصوف در اسلام: تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حافظ*، ج ۳ و ۲، تهران، زوآر.
- [۳۲] فروزینی، محمد؛ غنی، قاسم (۱۳۸۵). *لسان‌الغیب حافظ*، به کوشش: محسن عامری، تهران، نیستان جم.
- [۳۳] قشیری، ابوالقاسم (۱۳۴۵). *ترجمه رساله قشیریه*، با تصحیحات و استدراکات: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۳۴] محمدبن منور (۱۳۹۳). *اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۲ و ۱، تهران، آگه.

- [۳۵] مرتضوی، منوچهر (۱۳۸۴). مکتب حافظ: مقدمه بر حافظ‌شناسی، تهران، ستوده.
- [۳۶] معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی یک جلدی، تهران، معین.
- [۳۷] مولانا (۱۳۸۵). کلیات شمس، به قلم: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر.
- [۳۸] — (۱۳۷۳). مثنوی معنوی، به تصحیح: رینولد نیکلسون، تهران، بهزاد.
- [۳۹] — (۱۳۶۵). مجالس سبعه، با تصحیحات و استدراکات: توفیق سبحانی، تهران، کیهان.
- [۴۰] — (۱۳۴۸). فیه مافیه، با تصحیحات و حواشی: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر.
- [۴۱] هجویری غزنوی، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۹). کشف‌المحجوب، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمود عابدی، تهران، سروش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی